پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل‌وهشتم) دوشنبه ۲۸ دلو ۱۳۴۷ – ۱۷ فبروری ۱۹۶۹

دپښتونستان او پاکستان دخلکو ستر بری

عبدالولی خان او ښاغلی اجمل خټک دنیشنل عوامی گوند لار ښوونکی له جیل نه خلاص شول.

بالاخره دپښتونستان او پاکستان دخلکو دقهرمانی مبارزی په اثر او دافغانستان او دنړی دټولو خلکو دعامه افکارو دفشار له کبله، دفیلد مارشال محمد ایوب خان استبدادی رژیم مجبور شو چه دنیشنل عوامی گوند (دخلکو ملی گوند) دلارښوونکو او سیاسی بندیانو - دگوند دصدر خان عبدالولی خان او دگوند دسکرتر جنرال نائب ښاغلی اجمل خټک - خوشی کولو ته غاړه کیږدی.

پدی کی شک نشته چه دسیاسی بندیانو خلاصون، چه پرته د آزادی، دموکراسی او دخود ارادیت دحق له غوښتلو نه‌یی بله گناه نه لرله - او ددوی حبس پخپل وار یو جابرانه عمل ؤ - او همدا راز د دوی کلن اضطراری حالت دپای ته رسولو اعلان، پخپله دا حقیقت خرگندوی چه د مارشال محمد ایوب خان لس کلن جابر رژیم دپښتونستان او پاکستان دخلکو دزیاتیدونکی مقاومت او دنړی والو دعامه افکارو دفشار په مقابل کی شاتمبیدو او تسلیم ته مجبور شو.

دنیشنل عوامی پارټی او نورو مخالفو گوندونو دلار ښوونکو خوشی کیدل او په پښتونستان او پاکستان کی د اضطراری حالت دپای ته رسیدو اعلان دپښتونستان او پاکستان دخلکو او دنړی دپاره د سولی، آزادی او دموکراسی د نهضت په لیاره کی ستر بری بلل کیږی.

پدی کی شک نشته چه دپښتونستان او پاکستان دخلکو دابری به دآزادی، دموکراسی او استقلال په عرصه‌کی وړاندی یا وروسته نوری گامیابی هم تر لاسه کړی.

موږ یقین لروچه دپاکستان حاکمه هیأت، دامپریالیزم داهواداران به مجبور شی چه په پښتونستان، بلوچستان او ټول پاکستان کی خپل ضد دموکراتیک، ضد آزادی اوضد خپلواکی اعمال پای ته ورسوی او په نتیجه‌کی به‌په پاکستان کی دموکراتیک ژوند بیا ژوندی شی، دپښتونستان او بلوچستان ملت به دخپل سرنوشت دټاکلو حق تر لاسه کړی.

به‌پای کی دافغانستان دخلک - دموکراتیک قوت یو ځل بیاد پښتونستان، بلوچستان او پاکستان دخلکو دعادلانه مبارزو سره دملاتړ او پیوستون اعلان کوی او دی ته پاملرنه ضروری گڼی چه دپښتونستان او پاکستان دنیشنل عوامی گوند او نورو ضد استبدادی او ضد استعماری قوتونو دمبارزی وروستی تجربی داوښودچه گډ عمل او گډه مبارزه کولی شی ارتجاع او امپریالیزم که څه هم ډیر پیاوړی وی شاته ونمبوی.

ښاغلی عبدالولی خان، ښاغلی اجمل خټک او دپښتونستان نورملی او مترقی وطنپالونکی لار ښوونکی او فعالین له هغی آزموینی نه چه ورسره مخامخ شوی وو په لوړ سر او افتخا تیر شول.

دافغانستان دخلك دموکراتیک قوت له جیل نه دښاغلی عبدالولی خان‌او ښاغلی اجمل خټك دخلاصون په مناسبت، دپښتونستان مبازو خلکو او دپښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفار خان او ددوی دستگر ملگرو ته د زړه له کومی مبارکی وایی او خپل تاوده درودنه دپښتونستان خلکو او دآزادی، دموکراسی او استقلال دلاری دی‌مبارزانو ته وړاندی کوی او دهغوی دنویو بریو هیله‌کوی.

ببرک کارمل

وظایف جوانان ما

قهرمانیهای جوانان ما در جنگ‌عادلانه‌ضد امپریالیزم انگلیس، درمبارزه علیه‌ترورواختناق بعدازدهه‌اول استقلال، در راه تامین مشروطیت، در راه آزادی ودموکراسی، درنهضت چهار سال اخیر کشور، در روز خونین سه عقرب (که آنرابحق میتوان روز جوانان افغانستان‌اعلام نمود) وغیره ثبت تاریخ مبارزات نجات بخش‌کشورماست. مجموع مبارزات مردم ما در نیم‌قرن‌اخیر که جوانان سهم فعالی در آن داشتند، نشاندهندهٔ این حقیقت‌است که جنبش دموکراتیك ملی‌ضد امپریالیستی و ضد ـ فئودالی مادر جهت‌تحول کیفی خود رشد می یابد. اکنون جنبش افغانستان علی‌رغم مقاومت و جشیانه ارتجاع درکشوروباو صف شکستنها و مایوسیها، بی اعتمادی ها و نفاق در میان جوانان، بسوی پیروزی گام برمیدارد.

معهذاسوالی مطرح بحث قرار می گیرد که آیا جوانان ما بخاطربه پیروزی رساندن جنبش‌افغانستان بوظایف اساسی خود، طبق‌موازین‌و قواعد اخلاق مترقی و نوین کاملاآگاهند؟ پاسخ درست باین سوال ما را در موضع طرح وظایف‌اساسی وعمومی جوانان کشورقرارمیدهد.

وظایف اساسی جوانان ما:

یکی از پست ترین شیوه های‌سیاست داخلی هیأت حاکمهٔ‌ارتجاعی فغانستان همانا سیاست فاسد ساختن جوانان نجیب و شجاع‌افغانستان، به طرق و وسایل‌مختلف است. عمال اجنبی با دستیاری ارتجاع سیاه کشور به‌استفاده از زرادخانهٔ سیاسی وایدئولوژیك امپریالیزم و سوء استفاده از احساسات و معتقدات مردم واز طریق پخش اندیشه های خرافی وافترآ آمیز به ایدئولوژی مترقی و پیشرو، ابلیس مابانه تلاش‌می‌ورزند تا افکار پاك جوانان ما را مسموم و آنها را دچار گمراهی سازند واز اشاعهٔ دانش نوین و جهانبینی علمی جلو گیری نمایند.

لذا وقتیکه وظایف جوانان ازین لحاظ طرح میگردد، باید بگوئیم که عمده ترین وظائف جوانان ما و سازمانهای جوانان، که باید هرچه زود تر ومقدمتر از همه تشکیل گردد، عبارت است از آموزش نوین و فرا گرفتن تئوری علمی و انقلابی زحمتکشان و تجدید تربیت آنان، توأم با زندگی عملی‌ومبارزه.

وظیفهٔ جوانان ماست که دربرابر سیستم تعلیم و تربیت ملاکی و بیروکراتیك موجود کشور عکس‌العمل جدی نشان دهند. زیرا سیستم آموزش و پرورش کنونی غالب جوانان راطوری بار می آورد که برای بقای طبقه حاکمهٔ‌ارتجاعی و نفوذ امپریالیزم خدمت نمایند. جوانان باید تشخیص‌دهند‌که فقط بر اساس معلومات معاصر ونوین مترقی است که میتوان قادر به ایجادجامعهٔ نوین و مترقی شد، نه بر مبنای قبول یك مشت افکارکهنه و مسموم کننده این و آن نماینده ارتجاع داخلی و بین‌المللی،

(ص۲)

م.ا. خیبر

بانک جهانی از کشور بینوای ما چه میخواهد!

درهفته گذشته یك هیأت اقتصادی چهار نفری بانك جهانی (بانك بین‌المللی برای عمران مجدد و انکشاف) طبق خبرارگانهای نشراتی دولتی، غرض مطالعهٔ وضع فعلی اقتصادی کشور، بخصوص پلان پنجساله سوم وبیلانس تادیات وامکانات «کمك» آن بانك‌وموسسات اختصاصی آن درسالهای آینده جهت «انکشاف اقتصادی کشور»، وارد افغانستان گردید.

ورود این هیأت پس از مسافرت چندماه قبل رابرت مکنامارا سابق وزیر دفاع امریکا واز اپریل سال گذشته به اینطرف رئیس بانك بین‌المللی، به افغانستان شاید نشانهٔ‌امیدواری این بانك در زمینه پدید آمدن تغییراتی درسیاست اقتصادی حکومات افغانستان از طرح پلان سوم به‌اینطرف باشد. بهر صورت این‌امر نشان میدهد که مطالعهٔ وضع اقتصادی کشور مورد دلچسپی بانك بین‌المللی واقع‌شده است.

طبق‌معمول‌بانك بین‌المللی قبل از اعطای قرضه، موقف اقتصادی کشور درخواست کننده را به دقت کامل ازیك نگاه خاص‌مورد تحقیق و بر رسی قرار میدهد واطلاعات گوناگون اقتصادی راجمع آوری میکند. تجربه نشان داده است که این بانك معمولا به کشور هائی کریدت میدهد که پالیسی اقتصادی مبنی بر «پرنسیب های تشبثات خصوصی و راه سرمایه‌داری»

(ص ٤)

به سلسله اعترافات صدراعظم و وزرای افغانستان

وزیر مالیه و نظام مالیاتی در کشور ما

(از بیانیه ښاغلی ضیائی وزیر مالیه بمناسبت پنجاهمین جشن استقلال کشور)

وزیر مالیه: «مالیه اراضی که یك منبع عواید عنعنوی است درسال ۱۲۹۹ به نرخ همان سال ازجنسی‌به نقدی تسعیر ودر ظرف پنجاه سال گذشته تنها یك مرتبه درسال ۱۳۴۴ به تسعیر آن تجدید نظر شده ....

... محصول مواشی بحیث یك‌منبع عواید مستقیم بعد از تحول از نوع جنس به نقد تاسال ۱۳۳۵ به یك اساس وبعد باتجدید نظر تحصیل و اخیرا در سال ۱۳۴۵ از قلم عواید دولت فعلا حذف شده تلقی‌میگردد.»

پرچم: با ملاحظهٔ این واقعیت تلخ که در بیانیه ښاغلی وزیر مالیه به صراحت موجوداست، بجز اینکه‌زهرخندی تحویل مقامات حاکمهٔ کشور داد، دگر چه میتوان کرد! انتقاد شدید بر چنین پالیسی مالی نمیتواند حق مطلب را ادا نماید. تعجب آور است که وزیر مالیه‌کشور خود میگوید که فقط در سال ۱۲۹۹ مالیه اراضی به نرخ همان وقت از جنسی به نقدی تبدیل میگردد ونرخ تسعیر تا پنجاه سال دیگر همچنان باقی میماند، در حالیکه درین مدت قیمت ها بیشتر از ده مرتبه ارتقاء مینماید، ملاکان بزرگ‌ملیونها ثروت می اندوزند وده ها تغییر دیگر واقع میگردد.

ښاغلی وزیر مالیه ناگزیراست اعتراف نماید که نظام مالیاتی کشور وبخصوص مالیه اراضی یکی از ابتدائی‌ترین، فرسوده‌ترین‌وبی‌کفایت‌ترین سیستم مالیاتی در جهان‌است، اما نمیخواهد که بجرأت این انتقاد را برخود وحکومات سابق واردآورد که چرا در مورد تنظیم وتدوین یك سیستم دموکراتیك‌مالیاتی، متناسب بازمان ومنافع مردم گامی نبر داشته است؟ پاسخ روشن است: برای اینکه انجام چنین امری به منافع سرشار ملاکین بزرگ ارضی که خود ازایشان‌نمایندگی میکنند، لطمه وارد میآورد. همه میدانند که میزان مالیات‌مستقیم وبخصوص‌مالیات‌ارضی درعواید دولت جزء کوچکی‌را تشکیل میدهد. ازین مقدار هم اولا قسمت بیشتر رادهقانان کم زمین واجاره‌داران با تحمل مشکلات فراوان می‌پردازند وملاکین بزرگ از تادیه آن گریز مینمایند وثانیا قسمت کوچکی را که ملاکین بزرگ هم به پردازند در آخرین تحلیل از کیسه وحاصل دسترنج دهقانان بی زمین وکم زمین برداشت میگردد.

- مالیات مواشی که به شیوه‌عهد عتیق وخیلی ناقص تحت عناوین و اسمای گوناگون در دورانهای‌مختلف بحیث یك منبع عواید مستقیم جمع

(ص۲)

بارق شفیعی

شرایط زندگی وکار معلمان فداکار

کشور طاقت فرساست!

شرایط زندگی وکار صنوف‌مختلف روشنفکران اعم از دکتوران، مهندسان، هنرمندان، دانشمندان، ماموران پائینرتبه وخاصه معلمان کشور روز تاروز رقت انگیز تر و طاقت فرساتر می شود. در آمد فوق العاده ناچیز وبلند رفتن‌سرسام آور قیمتها، آوارگی وبی‌سر پناهی واشتهای سیری ناپذیر صاحبان منازل وآپارتمانهای‌گرایی، هجوم امراض گوناگون وفقدان وسایل تداوی، فقر غذائی وکار مداوم دماغی، عدم وسایل انکشاف سویه علمی و مسلکی وفقدان تشویقهای لازم درین‌زمینه، وجود تبعیضات گوناگون‌مذهبی، نژادی، لسانی، محلی، ... وسایر ملاحظات ضد قانونی وضد عدالت اجتماعی که از طرف اولیای اموردر برابر حقوق وشئون اجتماعی و انسانی‌اصناف روشنفکر از آن کار گرفته می شود، همه وهمه دست به دست هم داده پنجه های بی‌رحم وکشنده خویش را بگلوی صنوف مختلف روشنفکران کشور بلا کشیدهٔ ما فرو میبرند. ولی نه تنها هیچ مقام مسؤولی نیست که در برابر اینهمه مشکلات حوصله شکن، به عنوان حمایت ازین گروه زحمتکش دست بکار شود وگرهی از کار ایشان‌بگشاید، بلکه هر روز نسبت بروز دیگر عقده‌ئی بر عقده های آنان می‌افزایند وحتی حقوق مسلم قانونی آنانرا بیرحمانه زیر پا میگذارند. ازجمله بیائید باری هم به برخی از مشکلات صنفی ازروشنفکران، که وظیفهٔ بزرگ آموزش وپرورش کودکان و جوانان ما را درین مرحلهٔ حساس بعهده دارند، یعنی معلمان کشور توجه کنیم. بخصوص‌آنعده ازمعلمان فداکاریکه دوراز یار ودیار وخانه و فامیل خویش، دراطراف واکناف دوردست وطن‌عزیز مشغول‌عرقریزی وخدمتگزاری اند. اخیراً باتنی چند از نمایندگان این گروه زحمتکش تماسی صورت گرفت، دفتری از شکایات وفهرستی از مشکلات خویش عرضه کردندکه رؤس مطالب آن چنین است:

- معاش معلمان ولایات اکثربعد از ۲-۳ ماه اجرا می شود. آنان مجبورند هزینهٔ زندگی خودرا درین مدت ودر عالم مسافری وناشناسی با قبول صد ها آبرو ریزی و با استقراض از این وآن تدارك كنند.
- نه از معاش منطقوی (مانند سایرماموران‌وزارت خانه‌ها) برخورد‌ارند ونه محلی برای رهایش آنان تهیه دیده می شود.
- معاش مسلکی آنها سالها قبل یك برسه‌حصهٔ معاش‌اصلی سنجیده

(ص۳)

اعلامیهٔ سازمان دموکراتیك زنان

افغانستان

به مناسبت اعمال وحشیانه اخیر اسرائیل علیه دختران عرب در غزه

سازمان دموکراتیك‌زنان‌افغانستان، جنایات امپریالیزم ودرندگان اسرائیلی آنرا، در برابر مردمان صلحدوست مناطق عربی‌تحت اشغال بانفرت وغضب می‌بینند.

سازمان دموکراتیك‌زنان‌افغانستان اعمال وحشیانهٔ آشکارا وضد انسانی صیهونیان را در مقابل تظاهرات وطنپرستانه ومسالمت آمیز متعلمات غزه که در اثر آن (۹۰) تن از آنان بخاك وخون کشیده شدند، شدیداً نکوهش میکند.

سازمان دموکراتیك‌زنان‌افغانستان، در حالیکه همبستگی وپشتیبانی وهمدردی همه جانبه وصمیمی خود را، بامبارزه عادلانه خلق‌های کشورهای عربی علیه متجاوزین‌اعلام‌میدارد، نمیتواند از نفرین بر آدمکشان اشغالگر امپریالیزم، خاصتاً دربرابر این جنایات نابخشودنی آن، خود داری‌نماید.

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان، دوشادوش‌کلیه سازمان‌های دموکراتیك جهان‌ـ کار گران، زنان، جوانان وهمه نیرو های صلحدوست ومترقی‌جهان‌ـ همبستگی وهمدردی عمیق خودرا به فدراسیون تمام زنان عرب اظهار میدارد وحاضر است در صورت تقاضای زنان وطنپرست ومبارز عرب، در پهلوی خواهران و برادران عرب خود، بخاطر تحقق اهداف عادلانهٔ شان علیه تجاوز ومتجاوزین مادتاو معنا سهم بگیرد.

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان، اعتراض‌شدید‌خودرا‌علیه گلوله باری اشغالگران اسرائیل به تظاهرات متعلمات غزه اعلام میدارد واز کلیه سازمانها، نیرو ها وافراد صلحدوست جهان تقاضا میکند که صدای لرزاننده وطوفان خیز اعتراض شانرا در برابر اعمال وحشیانه وضد انسانی مقامات اسرائیل بلند نمایند واجازه ندهند که اسرائیل وحامیان آن امپریالیزم، بیشتر از این باوحشیگری‌ها وآتش افروزیهای‌خود وجدان‌بشریت را جریحه دار سازند.

تقاضای ما و کلیه مردم جهان اینست که مقامات حاکمه اسرائیل هرچه زودتر باعمال غیر انسانی وجنایتکارانه خود خاتمه دهد وفیصله نامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای‌امنیت ملل‌متحد را بدون وقفه تطبیق‌واجرا نماید.

(بنمایندگی از سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان وکومیته زنان نیروی دموکراتیك خلق افغانستان).

دکتورس اناهیتا راتبزاد (وکیل شورای ملی -ولسی جرگه- افغانستان)

یادداشت: مضمون‌فوق‌بمثابه‌نامه همدردی وهمبستگی عنوانی سهیر- الکلماوی، رئیس فدراسیون‌کل‌زنان عرب (قاهره جمهوریت متحدعرب) نیز ارسال گردیده است.

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

۲۸ دلو ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفتهٔ گذشته

اعلامیه وزارت داخله جمهوریت دموکراتیك المان

وزارت داخله‌جمهوری دموکراتیك‌آلمان اعلامیه‌ئی نشرکرده ودرآن‌گفته است که تا یادداشت ثانی به‌نمایندگان اسامبله فدرال و همچنان به مستخدمین اسامبله فدرال آلمان‌غرب که قرار است در برلین غربی تشکیل جلسه بدهد، اجازه عبورازخاك آلمان شرقی داده نخواهد شد. هکذا در اعلامیه گفته شده‌است‌که به موادکارآمد اسامبلهٔ‌فدرال آلمان غرب نیز اجازه حمل و نقل‌ازطریق‌جمهوری دموکراتیك آلمان داده نخواهد شد.

همچنان دراعلامیه علاوه شده‌است‌که تایادداشت ثانی به جنرالان و منصبداران اردوی آلمان غرب، به اعضای ارکان حرب عمومی آلمان غرب و اعضای کمیته دفاعی‌پارلمان‌وتمام اعضای اردوی آلمان غرب اجازه داده نمی‌شود از خاك آلمان‌شرق به برلین غربی واز برلین غربی واز طریق آلمان شرق به آلمان‌غرب عبور ومرور نمایند.

به اشتراك کنندگان در اسامبلهٔ‌مجوزه فدرال در برلین غربی و مستخدمین آن، دخول به پایتخت‌آلمان شرق ممنوع قرار داده شده است.

درابلاغیه منتشره‌ازدفترمطبوعاتی‌صدراعظم گفته می‌شودکه: حکومت آلمان شرقی به وزیر داخله آن‌کشورصلاحیت داده است تا مقررات ۱۰ مارچ و۱۳ ـ اپریل ۱۹۶۸ راجع به‌حفظ جمهوریت دموکراتیك آلمان وشهریان آن در برابر نیو نازیهای آلمان غرب‌وبرلین‌غربی‌راپیوسته مورد تطبیق قرار دهد. از عبوروزراء و دیگر مامورین عالی رتبه آلمان غرب از طریق آلمان‌شرق جلوگیری نماید ودراین باره تدابیر مزید اتخاذ کنند.

به تاکیدگفته شده‌است‌که حکومت‌آلمان غرب مسؤولیت کامل عواقب اعمال خودرا که‌با حقوق بین الدول‌متضاد است بعهده دارد.

از اعلامیه مشترك اتحاد شوروی وجمهوری یمن جنوبی

دراعلامیه مشترکی که در ختم‌بازدید رسمی قحطان‌الشعبی رئیس جمهور جمهوریت مردم یمن جنوبی‌دراتحاد شوروی نشر گردید گفته شده‌است که: اتحاد شوروی آمادگی‌خودرا برای دادن کمك اقتصادی و فرهنگی و تقویه ظرفیت دفاعی‌جمهوریت مردم یمن جنوبی اظهار داشته است.

جانب شوروی اعلام نموده که‌به‌پشتیبانی اکید خود از مبارزه‌عادلانه اعراب در راه از بین بردن آثارتجاوزاسرائیل، بخاطر عقب کشیدن‌قوای نظامی اسرائیل از سر زمین های عرب در آینده نیزادامه‌خواهد داد. حکومت اتحاد شوروی، حکومت‌جمهوریت مردم یمن جنوبی رااز اقدامات جدید راجع به حل پرابلم‌شرق‌میانه اطلاع داده است.

جانبین گفته اند که باید تحکیم‌صلح در منطقه شرق میانه بر اساس احترام به حقوق‌مشروع ملل عرب، به شمول‌اعراب فلسطین‌صورت‌گیرد.

طرفین سیاست‌جدیداستعماری‌قوای امپریالستی را در آسیا، افریقا وامریکای لاتین قویاً محکوم‌نمودند و پشتیبانی شانرا از مبارزه عادلانه خلقها بخاطر امحای کامل‌سیستم استعماری، بخاطر آزادی واستقلال بیان نمودند.

اتحاد شوروی و جمهوریت مردم‌یمن جنوبی همبستگی برادرانه شانرا بامبارزه قهرمانانه خلق‌ویتنام‌اظهار کردند.

جانبین عقیده دارند که قطع‌بمباران بر سر زمین جمهوری دموکراتیك ویتنام‌وکنفرانس‌چهارجانبه ئی که با شتراك نمایندگان جبهه آزادی بخش و ویتنام جنوبی‌در پاریس افتتاح گردید، پیروزی بزرگ خلق ویتنام، تمام‌بشریت‌صلح دوست، و شکست‌امپریالیزم امریکائی وامپریالیزم بین المللی‌محسوب میگردد.

هر دو طرف سیاست صلح‌جویانه ئی‌را که جمهوری دموکراتیك آلمان تعقیب می نماید و کمکی راکه به خلق عرب بخاطر از بین‌بردن آثار تجاوز اسرائیل میدهد، باارزش‌می‌پندارند.

در عین زمان طرفین امدادآلمان‌غرب‌را به اسرائیل، که اسرائیل رادر خواهشهای تجاوز کارانه اش‌در شرق عربی تشویق می نماید، محکوم میکنند.

جمهوریت مردم یمن جنوبی پشتیبانی جدی خود را از اعمال اتحاد شوروی ودیگردول‌سوسیالستی‌بمنظور حفظ صلح وتأمین امنیت در اروپا، ودفاع از دول سوسیالستی اروپائی در برابر هر نوع تجاوز امپریالستی بیان نمود.

هردو طرف عقیده دارند که به‌تعقیب‌معاهده منع‌انتشار سلاح‌ذروی، باید گامهای تازه ئی بسوی تحدید‌مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح برداشته شود.

جنگهای ویتنام و کنفرانس پاریس

جنگ و خونریزی در ویتنام‌جنوبی بشدت ادامه دارد. نیروهای جبهه آزادیبخش ملی دامنه جنگ‌راتاحوالی سیگون و حتی بعضاً تاداخل شهر سیگون کشانیده اند. پایگاه‌های‌نظامی ومیادین هوایی امریکائی و رژیم سیگون‌رابا راکت وهاوان‌موردحمله‌قرار میدهند. دراین‌زدو خوردها تلفات سنگین مالی و جانی برامریکائیها و عساکر سیگون وارد می شود.

در ماه جنوری تنها در ایالت‌ژانیلای (۱۱)عدد طیاره، چه در هوا وچه در زمین محو گردید، ۱۲ عددکشتی تباه و مقدار زیاد اسلحه و تجهیزات نظامی بدست نیرو های‌آزادی‌خواه ملی افتاد.

نیرو های امریکادر شمال غرب‌سیگون در برابر فشار نیرو های جبهه آزادی ملی عقب نشینی کردندودر نبرد های اطراف سیگون در حدود (۵۰۰) امریکائی بقتل‌رسید.

در‌ویتنام‌شمالی‌باسقوط دادن‌آخرین‌طیاره اکتشافی امریکائی، تعداد طیارات سقوط داده شده بر ویتنام‌شمالی به ۳۲۶۲ عدد بالغ گردید.

در کنفرانس پاریس نیز کدام‌پیشرفت محسوس بعمل نیامده‌است.

نطاق جبهه آزادی ملی و ویتنام‌جنوبی گفت که‌امریکادرراه موفقیت کنفرانس موانع ایجاد می نماید. تازمانیکه امریکا این روش خودرا اصلاح نکند کامیابی کنفرانس‌ناممکن است.

وقتی که با اعتراف ایوریل‌هریمن سابق رئیس هیأت امریکا در کنفرانس‌پاریس‌هم ویتنام‌شمالی‌وهم جبهه آزادی ملی خواهان‌صلح میباشد هر نوع مشکل تراشی درراه پیروزی کنفرانس نشان میدهد که این‌امریکاست‌که صلح نمی‌خواهد.

نبرد عادلانه خلقهای عرب علیه اسرائیل وسعت می یابد

جنگهای آزادیبخش ملی مبارزین‌الفتح قهرمانانه‌وبشدت‌علیه‌اشغالگران اسرائیل ادامه دارد و هر روز درعملیات مختلف جنگی تلفات سنگین مالی وجانی به متجاوزین وارد میآورند.

موج تظاهرات علیه موجودیت‌نیرو های اسرائیل در مناطق‌تحت اشغال دراردن و فلسطین و غزه‌اوج‌می گیرد. در منطقه غزه یك مظاهره بزرگ (۲۰۰۰) نفری صورت‌گرفت. مظاهره کنندگان علیه‌اسرائیل‌شعار میدادند. مقامات اسرائیل (۱۳) نفر را زندانی کردند.

زنان اردنی در شهر عمان درمقابل‌نمایندگی های خارجی به مظاهره پرداختند.

آنها تقاضا می‌نمودندکه در برابرآوارگان فلسطین از شیوه انسانی کار گرفته شود.

همچنان باشندگان شهرنابلوس‌به تظاهرات شدید علیه اشغالگران اسرائیل ادامه میدهند. در نتیجه‌این مظاهرات تا کنون (۳۰۰) نفر توقیف گردیده اند. در شهربیت‌المقدس نیز مظاهراتی صورت گرفت. دراثر فیر پولیس یك طفل‌عرب کشته شد. درغرب دریای اردن نیز تظاهرات اعتراض آمیزعلیه اسرائیل صورت گرفت وده‌ها نفر زندانی شد.

موج نهضت ضد امپریالستی در ترکیه

محصلین ترکیه مسافرت «حسن‌نیت»کشتی های امریکا رابه بنادر ترکیه شدیداًمورد اعتراض قراردادند. ایشان طی اعلامیه ئی از تمام مردم‌ترکیه تقاضا نمودندکه‌ورود کشتی های امریکایی را به سواحل ترکیه‌باتظاهرات اعتراضیه‌خود استقبال نمایند. در اعلامیهٔ محصلین گفته شده است که: «امپریالیزم امریکادشمن‌خلق ترکیه است»، «کشتی‌های امریکا کشتی‌های‌جنگی ومتجاوز است!»مردم استانبول بنابه درخواست محصلین ترکیه‌با مظاهرات واعتصابات از این کشتی ها استقبال کردند. تعداد زیاد پولیس بندراستانبول‌رامحاصره نمودند وبا وجود ترتیبات شدید امنیتی، محصلین هزاران ورق ضد امریکائی راپخش نمودند. دراین‌اوراق گفته‌شده که: «امریکائیها‌دور شوید!»، «کشتی های امریکائی‌کشتی‌های جنگیست!».

روز نامه اقشام چاپ استانبول‌می نویسد: «چرا (۴۰۰۰) عسکر امریکائی دراین کشتی ها در بنادرترکیه لنگر انداخته اند!»

قرار معلوم (۱۷۶) سازمان کارگری پشتیبانی خودرا از محصلین ترکیه اعلان وجرایدملی این مسافرت‌را تقبیح کردند.

قرار اطلاع تظاهر کنندگان‌بیرق‌امریکا راپاره کردند وتصادماتی بین عده ئی از عساکر امریکائی ومظاهرچیان رخداد. جراید امریکا نسبت این تظاهرات ضدامریکائی که سابقه نداشت، ابراز نگرانی نمودند.

دست سی. آی. ای. در تعرض اسرائیل برمیدان هوائی بیروت

روزنامه المحرر چاپ‌لبنان‌مینویسد: درین اواخر اسنادی انتشار یافته‌که بر اساس آن تمام نقشه وترتیبات‌حمله هلیکوپتر های اسرائیلی بالای میدان هوائی بیروت، توسط اداره‌جاسوسی‌سیا (سی.آی.ای.امریکائی) ترتیب‌شده بود وماموریـن‌این اداره که‌تعداد شان در میدان هوائی بیروت خیلی زیاد میباشد، با اسرائیلی‌ها کمك‌های فوق العاده نموده بودند. باین معنی که مامورین اداره «سیا»به‌اسرائیلی‌ها اطلاع داده بودند که درفلان وقت معین تعداد زیادی ازطیارات لبنانی درمیدان هوائی بیروت‌توقف می نمایند. قرار اطلاع دیگریکی از فعالترین ماموران اداره «سیا» جوریج نام دارد.

از (ص اول)

بانك جهانی از کشور بینوای ما ...

را تعقیب نمایند. اگردر سالهای اول پس ازجنگ جهانی دوم، بانك کمك های خود رابه کشور های عضو درامر احیای اقتصادی آنها بمثابه سر پوشی جهت حمایه رژیم های ضدملی دراروپای غربی از طریق «پلان مارشال» تخصیص میداد؛ اکنون تمام سعی ومجاهدت خود را متوجه باز گرداندن کشور های جوان وبیطرف آسیا وافریقا به راه سرمایه داری‌ودوام سیاست اقتصادی کشور های هوادار غرب می‌سازد. چنانکه در سال مالی ۱۹۶۶ـ ۶۷ بانك‌کریدت هائیرا به میزان ۸۷۷ ملیون دالر بشمول ۳۴۷ ملیون به کشورهای آسیائی، ۲۸۲ ملیون به کشورهای امریکای لاتین و۱۰۶ملیون دالر به کشور های افریقائی، اعطاء کرد. ازین جمله کریدت های بزرگ به کشور های‌که مشی ایالات متحده امریکا را تعقیب می کنند داده شد: برازیل ۱۰۱ ملیون دالر، چلی ۶۰ملیون دالر، مالیزیا ۴۷ملیون وفلپین ۳۷ ملیون دالر دریافت داشتند.

بمنظور روشن‌شدن اذهان‌هموطنان درمورد «کمك های» احتمالی بانك بین‌المللی به‌افغانستان وشناخت آن، مختصراً دربارهٔ‌ماهیت واقعی، کریدت‌ها وشرایط تادیه قرضه های این بانك درینجا تذکراتی بعمل می آید:

بانك‌بین‌المللی عمران مجدد و انکشاف درسال ۱۹۴۴ تاسیس گردید واکنون دارای ۱۰۷ عضو می‌باشد (کشور های سوسیالستی در آن عضویت ندارند) که‌ازسرمایه جمع شدهٔ اعضا به کشور های‌عضو قرضه میدهد. دراخیر سال ۱۹۶۷ مجموع سرمایه پرداخته شده‌آن ۲۳۰۰ ملیون دالر بود.

این بانك یکی‌ازموسسات عمده‌مالی‌بین‌المللی است که‌درواقعیت امر بحیث وسیلهٔ پیشبرد سیاست استعماری نوین توسط نیرو های امپریالیستی استعمال می گردد.

بانك بین‌المللی گر چه توسط یك هیأت گورنران که در آن اسماً تمام دول عضو اشتراك می‌نمایند، اداره میشود، امادرواقع تمام پست های مهم و کلیدی آن در دست کشور های پیشرفته سرمایه داری ودر رأس آن ایالات متحدهٔ امریکا قرار دارد‌و رئیس آن معمولاامریکائی میباشد(فعلامکنامارا سابق وزیر دفاع امریکا). سهم عمده در سرمایه بانك نیز متعلق به این کشور هاست: ایالات متحده امریکا ۶۳۵ ملیون دالر، انگلستان ۲۶۰ ملیون، جمهوریت‌اتحادی‌آلمان ۱۲۸ ملیون و فرانسه ۱۰۵ ملیون دالر.

بدینجهت‌کشور های‌امپریالیستی این بانك را تابع منافع سرمایه انحصاری خویش گردانیده اند. گرچه این بانك اسماً یك موسسه بین‌المللی می‌باشد که در تحت سپر و حمایت ملل متحد فعالیت می‌نماید. اما کشورهای دیگر عضو نه تنها نقشی در آن‌ندارند، بلکه‌از اینطریق توسط کشورهای امپریالیستی استثمار میشوند.

بغرض داشتن تصوری درمورد این «دام مالی» که در آن کشور های عضو کم رشد گیر افتاده اند، کافی‌خواهدبود تذکار گردد که در اخیرسال ۱۹۶۷قروض این کشورهااز بانك بین المللی به ۳۴۰۰ ملیون دالر رسیده‌بود. بانك تحت قیود و شرایط زیادی به‌کشور های‌کم رشد قرضه میدهد ویکی ازین شرایط بطورمثال اینست که کشور دریافت کننده پول را باید برای خریداری اموال از کشور های پیشرفته سرمایه‌داری وعمدتا ایالات متحده امریکا بکار برد. بااستفاده ازین شرط کشور فروشنده قیمت اموال را بلند تعیین کرده وکشور دریافت کننده از ناحیهٔ اسعار خارجه زیان بزرگی را متحمل میگردد. در چند سال گذشته بانك نرخ سود رابه ۶/۵ فیصد بالا برده است‌که کشور های کم رشد قسمت زیاد ذخایر پولی خود را به عنوان سود می پردازند. درسال‌مالی ۱۹۶۶ـ۶۷ کشور های کم رشد قسمت زیاد یا بیشترازدو ثلث مجموع کریدتی را که در عین سال اخذ کرده اند، به بانك پرداخته‌اند.

از آن جائیکه دارائی بانك بین‌المللی بالنسبه کوچك میباشد، بنابرآن مجبوراست که‌از انحصارات بانکی بزرگ قرضه بگیرد. چنانچه قروض‌آن ازین بانکها در اخیر سال ۱۹۶۷ به ۳۴۰۰ ملیون دالر (بیشتر ازمجموع سرمایه به خود آن) بالغ میگردید که‌این امر یکبار دیگر بوضاحت نشان‌میدهد که آمرو کار فرمای واقعی بانك کیست ومنافع چه کسانی رابانك‌بین‌المللی به پیش می برد.

سرمایه مالی بین‌المللی، بانك رابه مؤسسه‌ئی مبدل کرده است که جریان سرمایه گذاری‌های‌خصوصی رابه کشورهای کم رشد تحریك وتسهیل می نماید زیرا این بانك در صورتی حاضر به تادیهٔ کریدت می باشد که یك کشور آنرا به عین شرایط از منابع خصوصی بدست آورده نتواند.

فعالیت‌های یکی‌ازموسسات اختصاصی آن ـکورپراسیون‌مالی بین‌المللی ـ تابع‌عین هدف‌می‌باشد، وعلاوتاً حق خریداری‌اسهام منفعت آوررا در کشورهای کم رشد نیز دارد.

بانك بین‌المللی غالباً در امور داخلی کشور های عضو مداخله می‌نماید. بطور مثال درخواست جمهوریت عربی متحد را برای‌گرفتن قرضه به‌جهت ساختمان سد عالی اسوان رد کرد واعطای قرضه را به کشورهائی که‌جلو رشدهمه‌جانبه وخود سری های تشبثات خصوصی را گرفته‌اند، متوقف ساخت.

بدینجهت بانك بین‌المللی توسط نمایندگان کشورهای کم رشد دردومین کنفرانس ملل متحد راجع به تجارت وانکشاف، منعقده‌دهلی در فبروری ومارچ سال گذشته شدیدا مورد انتقاد قرار گرفت. آنها اظهار داشتند که بانك به یك وسیله مداخله درامور داخلی کشور های جوان مبدل گردیده است وشرایط اعطای قرضه‌های‌آن اسارت آور می باشد.

چنین است ماهیت واقعی وطرز فعالیت‌های بانك جهانی که‌مختصری ازآن تذکربعمل آمد. اما باید دید اکنون که‌هیأت آن «مشغول مطالعه» وضع فعلی اقتصادی کشورما می‌باشد، ازوطن‌بینوای ماافغانستان فقیروعقب‌مانده چه‌میخواهد ببلعد. معلوم است تذکرات متعددی که‌در صفحات کتاب پلان پنجساله سوم دراثر نفوذ «مشاورین اقتصادی» امریکائی و آلمانی ونسخهٔ تجدید نظر شدهٔ آن توسط گروپ مشاورین امریکائی‌وزارت‌پلان درمورد تقویهٔ تشبثات خصوصی، بعمل‌آمده‌است وتوسط بلند گویان وهواداران‌آن در زمینه تبلیغات زیادی صورت می گیرد ـ توجه بانك بین‌المللی‌را درامر«کمك به‌انکشاف‌اقتصادی(!) افغانستان» جلب کرده است. تادیده شود که چه‌نوع کریدتی را، برای کدام منظور، به کدام‌شرایط اعطا(!) خواهد کرد.

از (ص دوم)

وزیرمالیه ونظام مالیاتی ...

سرمایه گذاری دولت درموسسات بانکها وتصدی های عام المنفعه و انتفاعی سبب بوجود آمدن منابع عایداتی دیگری برای دولت بوده است».

پرچم: وقتیکه حکومت نتواند و نخواهد از طریق مالیات مستقیم مترقی عوایدی بدست آورد، راه سادهٔ حصول عاید، مالیات غیر مستقیم است؛ چه میتوان آنرا با استفاده بیخبری مردم که مالیه دهندگان واقعی اند، حاصل کرد.

تزئید قابل ملاحظه در میزان مالیات غیر مستقیم از یکسال تاسال دیگر خود درجهٔ روز افزون فشار مالی را برخلق کشور نشان میدهد ونمایندگی از پالیسی نادرست مالی حکومت مینماید.

- هنگامیکه ښاغلی وزیر مالیه اعتراف مینماید وثابت است که از طریق سرمایه گذاریهای دولت منابع عایداتی مطمئنی برای دولت بوجود می آید، پس چرا در برابر رشد سکتور دولتی اقتصاد بشکل توطئه آمیزی از طرف حکومت زمینه نقب گزاری فراهم میگردد ودربرابر موسسات مفید عامه، علاوه بر سوء استفاده های بزرگ واختلاس ها، عمدا کار شکنی میشود؟ جواب روشن است: هیأت حاکمه کشور دراثر پیوند منافعیکه با ملاکان وتاجران بزرگ دارد، واز منافع‌آنان نمایندگی‌مینماید‌وبنابرتبعیت‌ازسیاست استعمار نوین امپریالیستی، دربرابر تقویه «مؤسسات اقتصادی دولتی» نه تنها توطئه آمیز عمل‌مینماید، بلکه این موسسات به نفع ثروتمندان، به خصوص بورژوازی کمپرادورتجارتی مورد استعمال قرار میگیرند.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

دیوی گڼی بیه: ۲٫۵۰ – افغانی

مطبعه دولتی

بسلسله لغات واصطلاحات سیاسی:

درباره حزب ومفهوم آن

آزادی بحث ووحدت عمل

- ۳ -

ومشنوره آزاد ووسیع مسایل اساسی واتخاذ ه صورت دسته جمعی، یکی ترین متود های کار حزبی سکیل میدهد واین امریست لازمی برای جمع بندی تجارب حاصله وآشکار ساختن نقایص؛ تا اینکه اعضاء حزبی بر صحت فیصله‌ها و تصاویب ایقان حاصل کنند.

دموکراسی داخل حزبی: یعنی اجرای دقیق و پیگیر اصول مرکزیت - دموکراتیك. دموکراسی داخل حزب یعنی انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری حزب از پائین تا بالا، کار جمعی در همهٔ این ارگانها، دادن گزارش در مقابل سازمانهای حزبی براساس فعالیت خود ایشان، استفاده از اصل انتقاد وانتقادازخوددرداخل حزب. حق هرفرد حزبی است که در بحث آزاد، خلاق و سازنده در بارهٔ مسایل مختلف حزبی فعالانه شرکت نماید. دموکراسی حزبی فعالیت خلاقهٔ اعضاء حزب را برای تحکیم وحدت اصولی وانضباط آگاهانه حزبی ممکن می سازد. طرز اجرای دموکراسی حزبی طبق موازینیکه در اساسنامه حزب پی ریزی میشود، تطبیق میگردد.

هر بحث متضمن انتقاد میباشد؛ انتقاد به‌منظور آشکار کردن نقایص، جستجوی ریشه های آن و ارائه پیشنهادات برای بر طرف کردن آنها.

انتقاد وانتقاد از خود:

بوسیلهٔ انتقاد و انتقاد از خود که اسلوب اساسی پی بردن به اشتباهات و کمبود ها در فعالیت حزب، و جلو گیری از تکرار آنها می باشد، وحدت حزب تامین می‌گردد. انتقادوانتقاد از خود، وسیلهٔ مهم برای شرکت اعضاءحزب در بارهٔ تعیین سیاست و خط مشی حزب میباشد. احترام به این اصل و اجرای دقیق آن دلیل زنده بودن وتحرك سازمان‌ها و ثمرهٔ آن تقویت و تحکیم این سازمانهاست. مراعات این اصل از نظر تامین تجربیات و غنی کردن اصول جهان بینی علمی در پر تو واقعات مشخص و شرایط نوین، نیز اهمیت خاص دارد. زیرا بدون تبادل آراء وبدون برخورد نظرات وانتقاد آزاد چنین پیشرفت امکان پذیر نیست. اجرای این اصل مانع ادامهٔ اشتباهات و نواقص می‌گردد.

چنین انتقادی به پیشرفت کار و پرورش صحیح اعضاء کمك می‌رساند. اما حزب همیشه بین انتقادی که موجب قوت آن وانتقادی که باعث ضعف آن میگردد، انتقادی که فقط به خاطر انتقاد صورت می گیرد وبه عیب جوئی محض مبدل میشود، فرق می گذارد. حزب در عین حالیکه آزادی انتقادرا تامین مینماید، از آنهائیکه آنرا نقض کنند سخت باز خواست مینماید و به هیچکس اجازه نمیدهد که این آزادی رابه منظور تضعیف صفوف آن بکار برد.

پس سوالی بوجود می‌آید که خط فاصل میان انتقاد سالم و انتقاد نا سالم کدام است؟ مرامنامه حزب، فیصله های حزبی واساسنامه آن، این خط فاصل را تعیین مینماید. هنگامیکه حزب برای اعضاء خود حقوق وسیعی را قایل میگردد، در عین زمان طبعاً از ایشان میخواهد که به مرامنامه، اهداف وآرمانهای آن وفادار باشند. حزب دفاع از نظرات ضد حزبی را بهیچوجه تحمل کرده نمیتواند وآنرا منافی با عضویت در حزب میداند.

باز هم سوالی طرح میگردد که آیا در ینصورت دموکراسی حزبی تضعیف نمیشود و تخطی از آزادی بیان اعضاء حزبی نمیباشد؟ نه، به هیچوجه؛ زیرا: «هریك از اعضاء بدون هیچ مانعی آزاد است که هر چه می خواهد بنویسد و بگوید، اما هرانجمنی از داو طلبان (به شمول یك حزب) هم آزاداست تااعضائی را که نام حزب را بمنظور دفاع از نظرات ضد حزبی استعمال می‌کنند، ازصفوف خود اخراج نماید... حزب سازمانیست مبتنی بر اشتراك داوطلبانه و هر گاه خود را ازوجود اشخاصیکه مدعی نظرات ضد حزبی اند، پاك نسازد، ابتداء از لحاظ ایدئولوژیکی و سپس از نظر فزیکی (جسماً) خورد ومنحل خواهد شد.»

انضباط حزبی:

قبل از آنکه تصمیمی اتخاذ گردد، ممکن است نظرات مختلفی ابراز گردیده و نقاط نظر مخالف با هم برخورد نماید؛ اما پس از اتخاذ تصمیم، تمام اعضاء حزب بایدمانند یك شخص واحد عمل کنند واین جوهر انضباط حزبی است که مستلزم آنست تااقلیت از اکثریت تبعیت نماید و تصامیم حزبی راتمام اعضاء پذیرفته، درمحل اجرابگذارند.

انضباط موجب تحکیم سازمان میگردد، اما انضباط باید آگاهانه، مبتنی براقناع وداوطلبی باشد؛ زیرا بدون آن شرکت فعال افراد در مبارزات پراز محرومیت اجتماعی میسرنیست. تامین انضباط یك امرجدا ومجرد از تمام حیات سازمان، هدفهای آن، شیوهٔ رهبری سازمان و غیره نیست، بلکه یکی ازشرایط اساسی حفظ انضباط آگاهانه دریك سازمان انقلابی ومسالهٔ مرکزی وحیاتی است. بدون انضباط حزبی، حزب وجود خارجی ندارد و قدرت پیکار جوئی آن بصفر میرسد.

انضباط حزبی یعنی اجرای دقیق و پیگیر موازین حزبی که درج اساسنامه است وانجام وظایفیکه متوجه هر فرد و سازمان حزبی میگردد واجرای مرامنامه، اساسنامه ومصوبات حزبی وکوشش برای تحقق بخشیدن به تصویبات حزب ومبارزه برای رسیدن به‌هدف وآرمانهای آن. انضباط دقیق حزبی شرط استحکام حزب، ووحدت اراده وعمل میباشد.

وحدت عمل بهیچصورت بمعنی آن نیست که تفاوت نظردر حزب موجود شده نمیتواند، اگر چنین می بود حزب از یك سازمان زنده به‌یکسازمان بیجان‌مبدل میگردید. نقاط نظر مختلف و تفاوتها در مورد مسایل مشخص در کار روزانه ممکن است بروز نماید که‌این امری کاملا طبیعی است. انضباط حزبی از هیچکس نمی خواهد که عقیدهٔ خود را ترک نماید، هرگاه این عقاید مغایر با اصول جهان بینی علمی نباشد. اما حزب هر یك از اعضاء خودرا مکلف و مجبور به‌اطاعت از فیصله های مصوبه و تطبیق آگاهانه وموثر آن (حتی اگر باآنها موافق نباشند و یا فیصلهٔ دیگری را پیشنهاد کرده باشند) می نماید. همچنین انضباط حزبی ایجاب می‌نماید که عناصر ترقیخواه‌پیشرو مسایل درون حزبی را، خارج از حزب مورد بحث قرار ندهند. تمام این معیار های حیات حزبی‌ازتجارب جنبش طبقه کار گر بدست آمده است وبوضوح به‌اثبات رسیده که بدون انضباط آهنین، حزب طبقهٔ کار گر به یکسا زمان بی نظم مبدل می گردد که قادر به رهبری مبارزهٔ خلق کارگر بوده نمیتواند.

حزب در برابر آنهائیکه از فیصله ها و تصاویب حزبی اطاعت نمی‌نمایند، دارای مقررات سخت ودقیق می‌باشد. حالاتی در احزاب مترقی به‌مشاهده رسیده است که افرادیکه با مشی حزب موافقت نداشته اند، دسته‌های خاصی را بوجود آورده‌اند. چنین‌دسته‌ها ی مخالف اکثریت حزبی گروه های توطئه گرانه. اما برای احزاب طراز نوین سازمانهای‌مبارزوفعال تحمل گروه های توطئه گر در داخل حزب به معنی ترك وحدت ایدئولوژیکی ورهبری مبارزه می‌باشد. به‌همین جهت تشکیل چنین گروه‌بندی‌ها در داخل حزب یا تقاضای مبنی بر قایل شدن بعضی انواع حقوق خاص به اقلیت، مغایر ایجابات انضباط حزبی‌است. البته آن حزب طراز نوین پیشآهنگ‌طبقهٔ کار گر که رهبری آن سیاست‌خلاق مبتنی بر اصول مترقی را مرعی میدارد. پس‌تمام اعضاء وکارگرانیکه دارای شعور طبقاتی اند باید درك نمایند که‌هر گونه گروه بندی خاص در داخل حزب که به طور اجتناب نا پذیرتاثیر مجاهدات هم آهنگ راخنثی خواهد ساخت، زیان و لطمهٔ بزرگی به وحدت حزب وارد خواهد آورد وباید از تمام امکانات برای از بین بردن توطئه های چنین گروه ها استفاده بعمل آید.

او توریته:

آیا او توریته فردی و جمعی در حزب لازم است؟ بدون تردید! بدون اوتوریته فردی رهبران وجمعی ارگانها حل مسایل سازمانی ومبارزه با دشواری انجام میگیرد. اوتوریته کار راتسهیل میکند. ولی اوتوریته باید طبیعی باشد نه مصنوعی، مبنی بر قبول داوطلبانه باشد، نه‌برارعاب و تحمیل. این‌بدان معنی نیست که‌دراطراف افراد وارگانهای واقعاً بااوتوریته هیچگونه‌تبلیغی برای‌تعمیق‌این‌اوتوریته انجام گیرد، ولی این‌بدان معناست که نباید تنها از طریق تبلیغ برای ایجاد او توریته کوشید.

* * *

معهذا در احزاب طراز نوین پیشآهنگ طبقهٔ کار گر دموکراسی وسیع با رهبری متمرکز وبااوتوریته و بحث آزاد با انضباط‌آهنین ووحدت عمل توأم گردیده است. دموکراسی بدون رهبری متمرکز حزب رابه‌یك اجتماع جدل و بحث تبدیل میکند. سنترالیزم بدون دموکراسی باعث پیدایش بیروکراسی در حزب می‌گردد. ازسوی دیگر تلقین صحیح دموکراسی و سنترالیزم موجب تکامل و سیع فعالیت، ابتکار در حزب وایجاد رهبری نیرومند، که دارای اهمیت فوق العاده درمبارزات سیاسی است، میگردد.

هر حزب طراز نوین پیشآهنگ طبقهٔ کار گر یك ارگانیزم زنده است که تکمیل می‌نماید واشکال فعالیت خود را تکمیل واصلاح می‌کند. اصل خلاق سنترالیزم دموکراتیك، احزاب‌طراز نوین طبقه کار گر را قادر بدان میسازد که کار خودرا به طور انعطاف پذیر پلان کنند، مختصات جامعه را در نظر گیرند و با پرابلم هاییکه مواجه می‌گردند، بدرستی بر خورد نمایند.

(پایان)

از (ص اول)

وظایف جوانان ما

این و آن سیستم تعلیم و تربیت ملاکی واستعماری، این و آن ارگان تبلیغاتی جناح دست راستی ارتجاع ودستوری امپریالیستی وغیره.

باید جوانان ما درك کنند که تعلیمات مجرد ومعلومات جامد وغالباً ارتجاعی موجود کشور که روح طبقاتی سراپای آنرافراگرفته‌است، قسمت اعظم مطالب آن با منافع مرتجع ترین طبقات و قشرهای جامعهٔ ما انطباق‌می کند ودرحقیقت حامی منافع استثمار گران وستم‌گران کشور است.

وظیفهٔ جوانان ما ست که‌بتوانند ازمعلومات موجود درکشور، آنچه را که مفید است و برای تقویهٔ تئوری انقلابی و علمی ضرورت است فرا گیرند و آنچه را که بدو ضدمنجات خلق افغانستان از یوغ ستم و استثمار است رد و افشاء نمایند و ذهن خود را که انباشته ازمعلومات غیر لازم و جامد وارتجاعی است پاك سازند.

وظیفهٔ جوانان ما ست که باید خودرا برای خدمتگذاری زحمتکشان اعم از کار گران و دهقانان تجدید تربیت نمایند و در حالیکه‌دربرابر ارتجاع وبیعدالتی احساس کین و نفرت داشته باشند، در شرایط کنونی جنبش، سر نگون ساختن فئودالیزم و طرد نفوذ امپریالیزم را ازکشور وظیفهٔ‌عمدهٔ‌خود قراردهند، از بورژوازی انتقاد کنند و آنرا فلج سازند واحساس و شعور مبارزه را در توده ها نسبت به دشمنان خلق احیاً وتشدید نمایند.

اینست وظیفهٔ عمدهٔ جوانان مادر شرایط کنونی که باید پیشآهنگان مبارزه باشند و توده‌های مردم را نیز بسوی مبارزه جلب کنند و مبین منافع آنان باشند.

تشخیص این وظائف عمده‌واجرای آنها مستلزم آنست که جوانان ما اخلاق‌مترقی‌ونوین‌رااکسب نمایند.

وظایف‌جوانان ما برمبنای اخلاق مترقی ونوین:

اخلاق همراه با جامعهٔ بشری پدید آمد، اخلاق یا آداب و رسوم مجموعه موازین و قواعد روش انسانها در جامعه است. اخلاق که خصلت طبقاتی دارد، نظریات انسانها را در بارهٔ عدالت و بی عدالتی، نیکی و بدی، شرافت وبی شرافتی و غیره، مشخص میسازد. در جامعه‌ئی که به طبقات متخاصم تقسیم شده، در پهلوی اخلاق‌مسلط طبقهٔ حاکمه(استثمار گران)، اخلاق استثمار شوندگان نیز وجود دارد. هم اکنون در جهان‌اعم از کشورهای پیشرفته سرمایه داری وکشورهای آسیائی، افریقائی و امریکای لاتین اخلاق فئودالی و بورژوازی در برابر اخلاق توده های عظیم خلق و بخصوص کار گران قرار دارد. به طور کلی امروز در جامعهٔ ما دو نوع اخلاق در برابر یکدیگر در مبارزه اند: اخلاق مسلط طبقهٔ حاکمهٔ ارتجاعی و اخلاق نوین و مترقی.

سخنگویان ارتجاع ومدافعین امپریالیزم در کشور هر روز نعره می‌زنند و عربده می کشند که عناصر مترقی اخلاق ومعنویات ندارند و سوسیالیزم علمی مخالف اخلاق است. این تبلیغات زهرآگینی است که از فردای روز تحصیل استقلال تا کنون مرتجعین و جواسیس انگلیس، امریکائی، پاکستانی درعباها وقباهای دراز و نقابهای سیاه و قیافه های فریبنده آنرا نشخوار می کنند.

ماباکمال جرأت وصراحت میگوئیم که اخلاق و معنویت ما کاملا تابع مبارزهٔ طبقاتی زحمتکشان ومنافع آنان است، ووظیفه جوانان ما در شرایط کنونی اینست که هر گونه منافع‌راتابع این مبارزه نمایند. به این معنی معنویت و اخلاق مترقی و نوین جوانان ماعبارت‌است از انهدام شرایط کهنه ستمگر و استثمار گر واتحاد باکلیه زحمتکشان کشور در پیرامون طبقهٔ کارگر جوان و سازمان طراز نوین سیاسی و پیشآهنگ آن.

باید در نظر داشت که هر گاه جوان افغان خودرا از زنجیرنظرات و عادات کهن آزاد نسازد، معنی آن این خواهد بودکه یا خود راموردغارت طبقهٔ حاکمه قراردهد و یا وسیلهٔ غارت خلق قرار گیرد و بگوید که «من» چرا خودرا وقف خلق سازم، چرا من هم‌با همدستی صاحبان قدرت، بورژواوبیروکرات نشوم و در صدد سود برای خود نباشم! این اخلاق معامله گران و سود پرستان است!

اخلاق ارتجاعی بورژوائی روی استثمار استوار است و معیار این اخلاق را سود شخصی تعیین میکند که دارندگان چنین اخلاقی برای تحصیل منفعت، تمام موازین اخلاقی انسانی را زیر پا می گذارند و منافع شخصی خود را ما فوق همه چیز قرار میدهند و می گویند: «انسان گرگ انسان است»، ملاك همه چیز پول است. اخلاق بورژوازی عشق، شرافت ووجدان را مورد خرید و فروش قرار میدهد.

اما وظیفهٔ جوانان پیشتاز وپیشرو اینست که اصول معنویات واخلاق مترقی و نوین و انقلابی را درخود پرورش داده و آنرا رهنمای عمل خود قرار دهند. این‌وظیفه را جوانانیکه از نزدیك دیده اند که پدران ومادران شان چگونه درتحت استثمار و ستم اربابان فئودال و متنفذین قرار دارند، بهتر و سریعتر درك می کنند.

ما به صراحت اعلام میداریم که مترقی ترین، انسانی ترین و اصیل ترین اخلاق در جهان اخلاقیست که مبین منافع اکثریت قریب‌باتفاق اعضای جامعه باشد، نمایان‌کنندهٔ‌منافع‌زحمتکشی [illegible] ستم گران و استثمار گران‌در جامعه.

در این روز ها باز آن دارودستهٔ «مبهم» اجنت های انگلیس سر بر افراشته اند و فتنه انگیزانه تلاش می ورزند بشیوه سیاه اسلاف‌خودو به دستور اربابان جدید خود اخلاق نوین ومترقی را با لکه دار کردن سوسیالیزم علمی در افکار خلق نجیب افغانستان منقلب سازند، در حالیکه اخلاق مترقی و نوین مظهر آن‌قواعد اخلاقی است که توده‌های خلق ملل جهان در مبارزه با استثمار گران و ستمگران ودرمبارزه با مفاسد اخلاقی مسلط طبقهٔ حاکمه بدست آورده اند، بخصوص‌اخلاق طبقهٔ کار گر که مترقی ترین طبقهٔ جامعه معاصراست، درتکامل ورشد اخلاق جامعه نقش عظیمی دارد. در ماهیت امر این زحمتکشانند که می‌کوشند تااصیل ترین قواعد انسانی حیات را بر مبنای روابط دوستی، برادری، رفاقت، همکاری و کمك متقابل انسانهای آزاد از یوغ استثمار انسان‌از انسان‌استقرار بخشند.

تئوری علمی زحمتکشان با رد اصول طبقاتی استثمار گران و در برابر نظریات وعادات انحرافی‌وخود پرستانه جهان کهنه، اصول اخلاق پیشرو، یعنی‌عادلانه‌ترین وشریف‌ترین اخلاقیات را قرار میدهد که انعکاس‌دهنده منافع و آرمانهای کلیه جامعهٔ بشریت زحمتکش‌است.

خلاصه اینکه: وظیفهٔ عالیهٔ جوانان کشور ما ست که اصول وموازین و قواعد اخلاق مترقی‌ووطن پرستانه نوین زیرین را که برمبنای جهان بینی علمی تنظیم گردیده است، بمثابه جوهر شخصیت خود درخویشتن‌رشدوپرورش دهند.

- وفاداری به آرمانهای پیشرو زحمتکشان؛
- احساس مسؤولیت در برابر خلق، خدمت به‌خلق، تواضع در برابر خلق، اندیشیدن به رنجها ومنافع اکثریت عظیم خلق [illegible] در راه آزادی خلق؛
- عشق به وطن، دفاع ازاستقلال ملی، مبارزه در راه ایجاد نظام مترقی‌ونوین اجتماعی واعماروطن؛
- دفاع از صلح، آزادی ملل و دموکراسی؛
- آشتی نا پذیری‌بادشمنان خلق ووطن، باطبقات ستمگرواستثمار گر، بااستبداد وار تجاع، بااستثمار وستم ملی، باخصومت نژادی و ملی، باجنگ، استعمار وامپریالیزم؛
- تقدم مصالح جامعه نسبت به مصالح فردی وشخصی؛
- صفای معنوی، سادگی و فروتنی در حیات اجتماعی وشخصی تقوی، صداقت و پرورش عنصر زحمتکشی، انضباط و دلیری در خود؛
- احترام به‌جامعه، خانواده وانسان زحمتکش و مترقی و سعی درپرورش کودکان؛
- مبارزه علیه بی عدالتی، مفت‌خوری، جاه طلبی و خود خواهی، حرص و آز و ترس، تجاوز به‌منافع اجتماعی وملی و عدول از شرافت.»

در خاتمه: این وظیفهٔ مقدس جوانان افغانستان است که اخلاق مترقی نوین فورمولبندی شدهٔ فوق رادر خود پرورش دهند وکوشش کنند که با مظاهر ایدئولوژی و اخلاق فئودالی وبورژوازی، با روحیهٔ مالکیت ستمگرانه واستثمارگرانه خصوصی، قهرمانانه و پر شور مبارزه کنند.

وظیفهٔ جوانان دلیر و نجیب افغانستان است که با الهام از نیاکان قهرمان خود وتمام‌قهرمانان بشریت مترقی درسمت رهائی خلق افغانستان، بخود جرأت‌پیکاربی‌امان دهند، از دشواری‌ها نهراسند و قدم‌به قدم، موج‌بموج پیشروی‌کنند. تنها بوسیلهٔ پرورش معنویات‌و شجاعت اخلاقی درخود است که‌تمام اهریمنان افعی صفت از جامعه محو و نابود خواهند گشت، ظلمت و تاریکی به‌زودی از جامعهٔ ما رخت برخواهد بست و خورشید سعادت و اخلاق بشر دوستانه مترقی‌ونوین خواهد درخشید و خلق افغانستان به پیروزی کامل دست خواهدیافت.

از (ص اول)

وزیر مالیه ونظام...

آوری میگردید، از یکطرف مالداران بزرگ ازپرداخت‌آن باحیل گوناگونی خودرا معاف میساختند واز سوی دیگر وسیله آزار دهندهٔئی بنام «هست و بود» برای دهقانان و زحمتکشان ومالداران کوچك‌دردهات کشور بود، که مجبور میگردیدند حتی از چند رأس‌حیوان اهلی‌محدود که در واقع وسیله تولید وامرار معیشت شانرا تشکیل‌میداد، مالیات مواشی به پردازند.

هنگامیکه اعتراضات شدید مردم درین مورد بالا گرفت، حکومت در سال ۱۳۴۵ نتوانست جرأت نماید تابشکل واقعی‌آن، مالیات‌مواشی را تنظیم‌واز مالداران بزرگ حصول نماید. بنابرآن غرض خوش آمد مالداران بزرگ صاحب نفوذ، به سادگی ازین منبع عاید مستقیم دولت صرف نظر گردید و بگفته ښاغلی وزیر مالیه «فعلا حذف شده تلقی میگردد». اما سوال میشود که‌ښاغلی ضیائی به صفت وزیر مالیه چطور راضی میشود ازین قلم عاید مستقیم‌بخاطرگل روی مالداران بزرگ ومتنفذ صرف نظر گردد؟ از سال ۱۳۴۵ تاکنون چرا اقدامی در زمینه صورت نگرفته است؟

جواب باز هم ساده است: برای اینکه حکومت که نمایندگی ازمنافع ثروتمندان، ملاکان ومالداران بزرگ مینماید، قدرت آنرا ندارد دست‌به عملی بزند که لطمه ئی ولو جزئی به منافع آنان وارد آید.

وزیر مالیه: «از جمله عواید غیر مستقیم عواید گمرکی که مربوط به وضع تجارت خارجی مملکت است‌در سالهای اخیر تزئید قابل ملاحظه رانشان میدهد.

(ص ٤)

دلغمان خلك دبیگار په منګولو کی

خوتنو کلیوالو دلغمان د«علینگار» دخلکو هغه شکایتونه موږ ته لیکلی دی چه دسیمی له خانانو، ملکانو او حکومت نه یی لری. دوی لیکلی دی:

«دلغمان حکومتی مقاماتو اوورپسی‌محلی زور آورانو (خانانو - ملکانو) پر موږ غریبو خلکو باندی دهر قسم بیګار (مالی او ځانی) خساری، صرفه نده کړی او نه یی کوی.

په همدی دوره کی چه حکومتی مشران هره ورځ دد موکراسی او عدالت ناری وهی، هماغه پخوانی بیګارونه، لکه قانونی وظایف په موږ اجرا کیږی. جسمی بیګار او اجباری کار خو لا پریږده چه ورسره عادی شوی یو، سخته داده چه موږ دیوه وخت سوکړك ته حیران یو او دوی (حکومت او ملکان) په موږ باندی دپیسو بیګار چلوی.

له خو ورځو را په دیخوا(برکوټ) دپله دجوړیدو بیګار حواله شویدی. څنګه بیګار؟

داسی بیګار چه یوخو به داحصائیی داساسی له رویه په (هر ځوان، زاړه واړه، فراری مړه او ناقل) باندی سړی سرلیس افغانی پری کیږی او په دی کی به‌دعدالت(!)رعایت‌هم‌کیږی، یعنی دوروری او برابری (!) په اساس‌به په هروړی‌اوماړه باندی‌فقط همدانس افغانی وی. بل داچه: بیګار به پول دهمدی برابری(!) په اساس ګالی او په دی کی بله ته دنیږدی‌خلکواولری خلکو توپیرنشته. نوځکه موږ دولس والی‌نه راښکته خلك لکه د (کټل، میدانی، بصرام، سلینګار، قصبه، بدیع آباد، ګنبه، پینګور) اوسیدونکی چه دپله‌له‌ځای نه پنځوس کیلو متره لری یو او په موټرکی مود تګ راتګ کرایه دهر نفر په سر دیرشو افغانیو ته رسیږی، په دی مکلف شوی یو چه دا بیګارو چلوو.

څوورځی دمخه دهمدی بد مرغو بزګرانو یوه ډله راټوله شوی وه او د خپلی بد مرغی په باب یی خبری سره کولی. په مرکه کی ډیر څه وویل شول چه دا څو ټکی یی دنمونی په توګه تاسوته در لیکو، یوه سپین ږیری بوډا وویل: او خلکو! تاسی ښه وګوری، پتی دوی‌واخیسته؛ ماموریت دوی واخیست؛ زمن ددوی مکتبیان شول. دکابل کورونه او دلغمان کلاوی ددوی شوی اوبیګارونه په موږ چلوی!

بل وویل: دخدای دپاره، تا سو خوښه وګوری چه دوی له موږ سره څه کوی؟ سږ کال چه غنم باد ووهل او اجاری را باندی واوښتی، دوی په‌هماغه خپل اجاره خط باندی هم‌له موږ سره رفتارونکړ. په اجاره خط کی خو ښکاره لیکل شوی دی چه «که آفت سماوی نازل شو اجاره به ماتیږی او دحاصل دریمه برخه به بزګرته ورکول کیږی.» آیا دوی دی آفت سماوی ته وکتل؟ اوله خدایه ویره ورپیدا شوه؟ آیا ددوی په اجارو کی زموږ دوریجو فصل او داولاد دخولی ډوډی لاړه نشوه؟ آیا زموږ غواګانی او غوایی داجارو په تاوان کی خرڅ نشول؟ نو نورڅه له ګومه پیداکړو چه په دی نویو بیګارو کی یی ورکړو؟

خدای چه تللی نه یم او دوانی په مخ کی می ځان‌مرګ کړی نه وی؛ داجزیه اوعیال نفقه زه زیاتی نشم پوره کولای!

یوه بل بزګر وویل: آخر څه‌به‌کوو، دخوراك ډوډۍ مونشته او دوی بیګار وته را باندی حواله‌کوی؛ که حکومت داحال نه وینی دغه زموږه ملکان او خانان خو یی وینی.

بل سړی وویل: بلا ور پسی، که چیری دا زموږ وطن زموږ په هډوکو هم آبادشی - آباد دی شی. خو غم داده چه زموږ دا هډوکی هم دغو خوتنو وخوړل او وطن ته څه ورونه رسیدل.

هغه د (کټل) دمکتب بیګار خو به مویه یادوی؛ دمکتب دجوړیدو لپاره (۵۰) زره افغانی دبیت المال منظوری شوی او (۵۰) زره یی په موږ باندی (ریزش!) کړی. او دادی تاسی یی پخپلو سترګو وینی چه دمکتب دیوال تر (۱٫۵) مترزیات ندی لوړ شوی. زموږ یوه خان چه (۱۸) زره افغانی یی‌مکتب ته ټولی کړی وی، شپږ زره یی حکومت ته‌ورکړی اونوری یی پخپله ګیډه کی واچولی. داسی نران ملکان هم ووچه خدای که یی یو پول هم حکومت ته ورکړی وی او ټولی یی پخپله وخوړی.

خلکو همدا راز دخانانو او ملکانو دسوء استفادی ډیری خبری وکړی او زیات شکایتونه یی بیان کړل. موږ خو تنو دا موضوع تاسو ته ولیکله چه دخلکو په دردونو کی یی خبره کړی، او ددی مظلومو خلکو آواز نوروته ورسوی.

کارگران وطنپرستی که

فراموش خاطر والای(!) قانونگذاران شده‌اند!

یکی از کارگران که نام خودرا «شیر احمد نجرابی» معرفی کرده درمورد دفاع از کارگران اجیر نوشته است: «کارگران‌اجیرکه بنام‌کارگران «قرار دادی» هم یاد میشوند، در مجموع خود تقریباً اکثریت‌کار گران وطن محبوب ما را تشکیل میدهند.

اینانند که ماشین های بزرگ رابکردش می آورند، برمه ها را در دل بیابانها فرو میبرند، کوهها رامی‌شگافند، در یا ها را مهار میکنند، سکوت دشت ها را می‌شکنند وآرزوی انسان هموطن را بربدیده های‌طبیعت می‌قبولانند واین همه را بقیمت‌حیات وامنیت خود انجام میدهند وبسا که درین راه معیوب می شوند، صدمات جبران نا پذیر می بینند وحتی‌قربان می گردند.

در برابر اینهمه خدمتگزاری وسخاوت این کار گران، از یکسو شرایط طبیعت بیرحم واز سوی دیگر درشتی وزشتی پیش آمد مامورین وکار فرمایان، هر دو متحداً بجان این بیچارگان افتاده‌اند. بدتر از اینها اینکه خاطروالای قانونگذار(!) نیز از رویهٔ ناجوانمردانه در مورد اینان دریغ نکرده است. قانونگذاران هرگز بفکر آن نیفتاده اند که اینان انسانند. بغذای کافی، معاش‌لازم ودر زمستانها به تسخین ضرورت دارند، آنان به سر پناه محتاجند ودوا میخواهند.

قانونگذار فرا موش کرده است‌که وقتی این کار گران شور جوانی را درخدمت‌وطن ومردم بسرمیرسانند، در ایام پیری بحقوقی محتاجند. از آنجهت‌آنان‌را ازحقوق تقاعد محروم کرده است(!)-گویا بحکم‌قانونگذاران باید این کارگران اصلا به پیری نرسندوحتماًدرجوانی‌بمیرند. وقتی‌کار یك‌پروژه بانجام میرسدوتعداد قلیلی از ایشان در پروژه های دیگر وارد کار میشوند، سه یا چهار درجه پایانتر از رتبه هایی مقرر میشوند که در پروژه اولی دارندهٔ آن بودند.

اگر قانونگذاران (!) هنگام عبور مغرورانه ازجاده های بزرگ کشور بخاطر بیاورند که کدام گروه ایجاد این جاده را ممکن ساخت. اگرهنگام فرود آمدن طیارات شان در میدانها فکر کنند که کیان راه فرود آمدن‌این پیکر های غرنده را هموار نمودند، کدامها شب ها را در دل کوهستانها بخاطر پیروزی کار بدون خواب بصبح بردند، چه کسانی دغال‌بخاری سالونهای ایشانرا از شرائین کوه برون می آورند وبالاخره‌کدام جماعت شاقه ترین وظایف را در راه اعمار وطن بدوش دارد، حتماً چنان غفلتی رادر مورد کار گران روا نمیداشتند وخدمتگاران رابفراموشی خاطر وچنگال فقر وبد بختی نمی‌سپردند.

کارگران اجیر بر قانونگذاران اعتراض می کنند وتاریخ کشور مااین فروگذاشت راعفو نخواهد کرد.»

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

گرانو لوستونکو او محترمو دوستانو!

ستاسو له خوانه پرله پسی موږته، دپیغامونو او شکایتونوکاروان‌را روان دی، خو کله‌کله ستاسو محترمو دوستانو لیکنی، روښانه‌لاسلیك او واضح پته نلری، نوځکه‌موږ ته ددغو لیکنو په باب تردد پیدا کیږی او نشو کولای چه هغه‌خپری کړو.

زموږ غوښتنه ستاسو محترمو لوستونکو څخه داده چه تر خپلولیکونو لاندی په واضح توګه خپل نوم او پته ولیکی او بیا که غواړی‌چه‌ستاسو مضمون په مخفف اویامستعار‌نوم خپورشی هغه پخپلو لیکونو کی موږ ته رامعرفی کړی.

سنگ کشان زحمتکش آب میخواهند

در جنوب شرق عاشقان وعارفان(مربوط‌ناحیهٔ۹) زیرکوه شیردروازه‌محلهٔ سنگ کشان کابل واقع‌گردیده‌است. این سنگ کشان که بیش از نصف تهداب های کاخهای قصرنشینان کابل را، باتحمل رنجهای‌حوصله فرسا تهیه کرده اند ودربدل‌آن عمر ها وجوانی های خودرا از دست داده اند، در بد ترین شرایط‌زندگی بسر میبرند. آنان مجبورندازخم‌وپیچ کوچه های‌شکسته وتنگ، از بین خانه هاییکه در سراشیب‌کوه چون لانهٔ زنبور یك بر دگر تکیه‌کرده اند، بگذرند وبخاطر حمل‌دوسطل آب ساعتهاوقت خودرااصرف‌نمایند. در ایام دشوار زمستان وشرایط نا گوار موسمی حمل آب‌مورد ضرورت خطرات وحوادث‌رقتباری ایجاد میکند. بساکه اطفال‌حامل آب با کوزه ها وظروف لغزیده و جراحت بر داشته اند. حمل‌آب‌اکنون در محله سنگ کشان خاصتاًبرای خانواده هاییکه در آنها پیران، زنان واطفال در کار آبرسانی‌جان‌کنی‌دارند، واقعیت‌دردانگیزی است.

مردم زحمتکش این محله‌که تاکنون‌بار ها بخاطر آب آشامیدنی به‌ښاروالی روی آورده اند و نتیجه ئی‌نگرفته اند، جداً بر اهمال وفروگذاشت ښاروالی اعتراض نموده‌وفریاد برمیدارند که: **آب، آب، آب!!**

پرچم: مطالبهٔ زحمتکشان سنگ‌شکن را جداً تایید نموده وتقاضامیکندکه هرچه زودتر نل‌آب‌آشامیدنی‌بمحلهٔ سنگ کشان کابل، واقع‌ناحیه (۹) تمدید گردد.

په موسی کلاکی له یوه معلم سره

دخانانو بی حرمتی اودولسوال رفیقانه(!) سکوت

ښاغلی عبدالقیوم «زیار مل»له لشکرګاه نه دپرچم په عنوان‌لیکلی‌دی: «... دیوخان زوی، دموسی کلاد منځنی ښوونځی زده کونکی چه ددی سیمی دیوی ستری اومعتبری‌کورنی غړی دی، ددرس په رسمی‌وخت‌کی له یوه سړی سره‌په‌دکان‌کی‌ناست‌و. ناڅاپی یومعلم چه ښوونځی ته تلونکی‌و، راپیدا شو اوپه دی‌زده کونکی یی سترګی‌ولګیدی. له‌هغه‌نه یی غوښتنه وکړه چه ښوونځی ته‌لاړشی. مګرده ونه منله اوله معلم سره یی لفظی مشاجره شروع کړه. معلم خپله لاره ونیوه اولاړ.

کله چه معلم ماسپښین ستړی‌ستومانه خپلی کوټی ته راغی‌نودزده کونکی د کورنی خانان پسی‌راپیدا شول‌اوخپلو نوکرانواوناظرانو ته یی په معلم باندی دحملی او وهلوامروکړ. په پای کی‌یی له غریبګوټی‌معلم نه ټولی جامی وایستی، منتی‌یی‌وروتړلی او لوڅ یی په بازار کی وګرځاوه.

کله چه د ښوونځی شاګردان‌دخانانو بدی شهکاری (!) خبرشول‌مخامخ دولسوال(حاکم) کورته‌ورغلل. ولسوال له همدی پیښی نه چه پول خلك‌بی‌خبرو، خان بی خبره وبنود اووعده‌یی ورکړه چه خانان به دخپل عمل سزاته ورسوی. سباته معلومه شوه چه د لسوال صاحب (!) دمظلومو (!) خانانو دتسل لپاره، معلم بندی کړیدی‌اوخپله وجدانی‌وظیفه(!) یی سرته رسولی ده.

دشاګردانو دجدی غوښتنی په اثر هغه غریبګوټی‌معلم‌دوه ورځی‌وروسته له بند څخه راخلاص شو.

همدا اوس چه دغه کرښی لیکم، په خلکو کی آوازه ده چه خانان دهیلمند ولایت ته راغلی دی‌اوغواړی چه داپیښه دسل هاوو نورو پیښو په څیر ترخاورو لاندی کړی.

ولسوال صاحب (!) هم رفیقانه سکوت کړیدی اودخپلی بقا او ګټی پرمعیار عمل کوی.»

پرچم: دادهیواد دفیوډالیزم، هغه ژوندی‌مظاهر دی‌چه‌تل‌یی په‌افغانستان کی دنوی معارف دنهضتونو مخه نیولی ده او لاتر اوسه هم دحاکمه محافلو له خوا حمایه کیږی.

تاکسی دریوران بر رفتار ترافیك کابل

اعتراض می کنند

بتاریخ۲۲ د لویك عده ازنمایندگان‌تاکسی دریوران زحمتکش وطن ما به‌ادارهٔ پرچم آمدند وشکایت‌زیرین را جهت نشر بجریده سپردند:

«از چندیست‌که مدیریت ترافیك‌کابل، بدون اعلان ویا ابلاغیهٔ‌رسمی‌در جراید ورادیو، بیش از هزار تکسی درایور را مزاحم شده. برای آنکه از طرف شب میان موتر های‌تکسی وشخصی فرق وتفاوتی شود، جبراً بدون موافقهٔ ما، چراغهای‌مخصوصی را با اجرت ولین دوانی‌وغیره به قیمت بیش از چهار صد افغانی توسط شرکت سرویس‌درموترهایما نصب مینمایند. تا جائیکه معلوم است این‌چراغها قبلا توسط تاجران دلال تهیه شده و اکنون بصورت تمهیدی وجبری برما میفروشند.

ماتاکسی دریوران که درپروژه های دولتی وانفرادی کاری نیافته، ناچار با هزار رنج وخواری، باقساط طولانی ومبالغ گزاف تکسی ها بیرا خریداری کرده، شب وروز در خدمت همشهریان استاده ایم، باز هم علاوه برعوارض دیگروتکس ترافیك، روزی نیست‌که ادارهٔ ترافیك کابل یك مزاحمت جدیدی برای ما پیدانکند.

مابه ترافیك میگوییم که چرا خود تان این چراغهارا وارد نکردید وبقیمت تمام شد ویا به نفع‌کم آنرادر اختیار تکسی دریوران قرار ندادید؟ چرا بموسسات داخلی که میتوانند نوع بهتر این چراغها را بقیمت ارزانتر بسازند موقع داده نمیشود؟

چرا اجازه میدهید که دسترنج مارا، آن دگران بجیب خود بیندازند وملیونهای آنان ملیارد ها شود؟

مابرین وضع اعتراض میکنیم و تغییر این وضعیت را میخواهیم.»

(محل امضاء ٥٤ درایور)

از (ص اول)

شرایط زندگی وکار...

شده، امااکنون که‌قیمتها چندین‌باربلند رفته، در مورد حفظ تناسب وازدیاد آن، متناسب به نرخهای موجود، کوچکترین توجهی به عمل نمی آید.

- معلمان در ولایات ودر منطقهٔ کار شان‌از هیچگونه حقوق‌کوپراتیف وکوپون استفاده کرده نمیتوانند و هم مبلغ پنجاه افغانی که به عنوان غلگی (!) بعوض‌قیمت پنجسیر گندم (مطابق نرخ دهها سال‌قبل) بایشان تادیه می گردد، اکنون بنابر بلند رفتن قیمتها حتی برای خریداری دو سیر گندم هم کفایت نمیکند.
- اگریکی ازمعلمان بنابراشتباهی حتی بیك روزه کسر معاش محکوم شود، خلاف قانون ترفیع وتقاعد مامورین ملکی، از یك رتبه ترفیع محروم می گردد.
- فارغان‌صنوف۱۲ و لیسانسه‌ها باآنکه در دوره های تحصیلی خویش بقدر کافی وبه سویه های عالی لسان پښتو را فرا می گیرند ونمرهٔ کامیابی حاصل می کنند، باز هم باید در کورسهای اکابر پښتو نزد معلمانیکه به مراتب سویه آنها حتی ازشاگردان شانهم‌پائینتراست، درس بخوانند؛ درحالیکه لازم است در خور سویهٔ آنها کورسهای عالیتر ومعلمانی لایقتر تهیه شود. وهمچنان هیچکس حاضر نمیشود برای بلند بردن سویه علمی و مسلکی معلمان بکلوریا پاس در ولایات، به‌تاسیس کورسهائی بسویه صنوف ۱۳ و۱۴ اقدام کند ویا لااقل کورسهای موجود مرکز را بغرض استفادهٔ عدهٔ بیشتری از معلمان انکشاف دهد.
- به‌فارغان‌دورهٔ متوسطه اصول‌تحریر ودارالمعلمین سابقه معاش امتیازی داده می شود وامااسایر فارغان صنوف نهم قطعاً معاش امتیازی ندارند؛ درحالیکه بایددستهٔ اخیرالذکر نیز ازین امتیاز برخوردار باشند.
- تبدیلی معلمان ازیك منطقه به منطقهٔ دیگر به صورت جبری وبه ملاحظات خاص و مشخص سیاسی صورت میگیرد وهرگز به موثریت و تسهیلات کار معلم در منطقهٔ خودش اهمیتی نمیدهند.

مواد فوق که انعکاس‌دهندهٔ برخی ازمشکلات وخواستهای‌مبرم‌وضروری معلمان ولایات کشور است، گواه بارز این مدعاست که به‌حال این گروه زحمتکش وفدا کار اندکترین توجهی نمیشود. زیرا بروشنی‌معلوم است که اگر باحقوق و مشکلات‌آنان برخورد دموکراتیك و قانونی‌صورت گیرد، حل وتأمین آن قسمادر قانون اساسی‌ودیگرقوانین مملکتی‌پیش‌بینی شده و قسمتی هم بتوجه اولیای امور مربوط است ودر موارد دیگر میتواند اقدامات مقدماتی آغاز شود.

اما، این دیگر مسلم شده است که حتی تامین همین حد اقل خواستهای معلمان شریف ولی محروم معارف مملکت ممکن نیست، مگر آنکه اتحادیه دموکراتیك معلمان سر تاسر کشور، توسط خودشان وبه اراده خود شان، به وجود آید وهمه در یك صف متحد وآهنین برای احقاق حقوق پامال شده و تأمین یك زندگی آبرو مند و شرایط بهتر آموزش وپرورش در کشور، بصورت پیگیر مبارزه کنند.